تصریح به اینکه قرائات سبع حرف واحد است توسط قرطبی و طبری

فرمودند ممکن است که این حرف واحد ناظر به اصول القرائات باشد. یعنی تنها مد و امالہ و امثال آنها. حال به آن میرسیم. ببینید در مواردی خود اهلسنت با آب و تاب، بیان کردهاند که همه این قراء سبعه حرف واحد هستند. یکی از آنها تفسیر قرطبی[1] است. در مقدمه تصریح میکند و میگوید جمیع این قرائت قراء سبعه «راجعة الی حرف واحد». سبعة احرف کدام است؟ میگوید: «قال كثير من علمائناقال كثير من علمائنا كالدواودي وابن أبي صفرة»، همینجا هم در روایت سفیان بن عیینه یکی نیست که از سفیان بپرسد. خود ابن عبد البر و همچنین ابن ابی داوود –کتابش فعلاً در دست ما نیست- از سه نفر میگویند. یعنی دو تا از آنها را خود ابوالطاهر میگوید که سائل از سفیان است؛ میگوید «**وكذلك قال لي ابن وهب**»؛ یعنی ابن وهب به حرف سفیان جواب داده و شدند دو نفر. ابن وهب شاگرد مالک بود. یعنی دقیقاً بحث را سر مرادفات میبرد و بعد میگوید طبری هم، چنین گفته است.

اگر میخواهید ببینید که طبری چه گفته، صفحه آن را یادداشت کنید. تفسیر قرطبی را هم یادداشت کنید، جلد اول، صفحه ۴۶.

> قال كثير من علمائنا كالدواودي وابن أبي صفرة وغيرهما: هذه القراءات السبع التي تنسب لهؤلاء القراء السبعة، ليست هي الأحرف السبعة التي اتسعت الصحابة في القراءة بها، وإنما هي راجعة إلى حرف واحد من تلك السبعة[2]

«قال كثير من علمائنا كالدواودي وابن أبي صفرة وغيرهما: هذه القراءات السبع التي تنسب لهؤلاء القراء السبعة، ليست هي الأحرف السبعة التي اتسعت الصحابة في القراءة بها»؛ اصلاً آنها نیست. بلکه این هفت تا،**«وإنما هي راجعة إلى حرف واحد من تلك السبعة»؛** خود ابن عبد البر هم قبل از اینکه این عبارت را ببینید، میگوید مصحف عثمان و حرف زید –نمیگوید اصول- کلها راجعة الی حرف واحد؛ همه اینها حرف واحد است. مترادفات نیست. این برای قرطبی بود. اما عبارت طبری را ببینید.

> وأما ما كان من اختلاف القراءة في رفع حرف وجره ونصبه، وتسكين حرف وتحريكه، ونقل حرف إلى آخر مع اتفاق الصورة، فمن معنى قول النبي صلى

> الله عليه وسلم: "أمرت أن أقرأ القرآن على سبعة أحرف" - بمعزل. لأنه معلوم أنه لا حرف من حروف القرآن - مما اختلفت القراءة في قراءته بهذا المعنى- يوجب المراء به كفر المماري به في قول أحد من علماء الأمة. وقد أوجب عليه الصلاة والسلام بالمراء فيه الكفر، من الوجه الذي تنازع فيه المتنازعون إليه، وتظاهرت عنه بذلك الرواية على ما قد قدمنا ذكرها في أول هذا الباب**[3]**

«وأما ما كان من اختلاف القراءة في رفع حرف و...ونقل حرف إلى آخر مع اتفاق الصورة»؛ یعنی رسم یکی است ولی «ملک»، «مالک» خوانده میشود؛**«فمن معنى قول النبي صلى الله عليه وسلم: "أمرت أن أقرأ القرآن على سبعة أحرف" – بمعزل»**؛ میگوید این قرائتی که من برایش کتاب نوشته ام و تفسیر من پر از آن است، از آن سبعة احرف «بمعزل» است؛ شش تا از سبعة احرف نیست. یعنی تمامی این اختلافات حرف واحد است. این تصریح طبری به اختلافات است. دیگر او اصول را نمیگوید؛ در اصول میگوید نقطه ها فرق دارد و اعراب ها فرق دارد. جالب است که ابن عبد البر که همان جا حرف سفیان بن عیینه را میآورد و ابن اشته که میگوید منظور او حرف واحد است، همان جا میگوید که طبری هم این را میگوید. یعنی در آن جا میگوید طبری گفته کل قرائات حرف واحد است و مراء در آنها کفر نیست. البته استدلالات آنها مخدوش است و بماند برای بعد.

---

[1]تفسير القرطبي (١/ ٤٦)

[2]همان

[3]تفسير الطبري = جامع البيان ت شاكر (١/ ٦٥)

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 12:46:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 10:20:23 توسط ... .